

ایران، ۷ ماه پس از جنگ ۴۰ روزه چگونه است؟

مقاومتی فراتر از انتظارات و پیش‌بینی‌ها

نویسنده: رایبن اف. لیرد (Robbin F. Laird)، تحلیلگر امور نظامی و امنیتی است. او در دانشگاه کلمبیا، کوئینز کالج، دانشگاه پرینستون و دانشگاه جانز هاپکینز تدریس کرده است. او با «مرکز تحلیل‌های دفاعی» و «مؤسسه تحلیل‌های دفاعی» همکاری داشته است.

دیپلماسی ایرانی: این پرسش که آیا ایران «شکست» خورده است یا خیر، راه به جایی نمی‌برد. اگر منظور از شکست، سرنگونی جمهوری اسلامی باشد، پاسخ قطعاً منفی است؛ جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست. با این حال، رهبر عالی آن صرفاً کنار گذاشته نشد؛ بلکه آیت الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب ایران، در نخستین روز از عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل — یعنی ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ — در جریان یک حمله اسرائیلی، به همراه ده‌ها تن از مقامات ارشد نظامی و سیاسی هدف قرار گرفته شدند. در ۸ مارس، پسرش آیت الله مجتبی خامنه‌ای به عنوان جانشین تعیین شد. بر اساس گزارش «سرویس تحقیقات کنگره»، او که ظاهراً مجروح شده، در انتظار عمومی ظاهر نشده و از طریق دست‌نویسی که توسط پیک ارسال می‌شوند، کشور را اداره می‌کند. کتابخانه مجلس عوام بریتانیا نیز به دیدگاه تحلیلی‌گرانی اشاره می‌کند که معتقدند ایران به سمت الگویی از «رهبری مشترک» حرکت کرده است؛ الگویی که در آن نقش سپاه پاسداران پررنگ‌تر شده است.

با هدف تغییر رژیم و حذف رهبری ایران به آن حمله شد، اما در نهایت نظام باقی مانده است. این تمایز حائز اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد پرسش درست این نیست که آیا نظام دوام می‌آورد یا نه، بلکه باید پرسید جایگاه قدرت آن — چه در سطح منطقه و چه در نظام بین‌المللی چندقطبی — در مقایسه با وضعیت پیش از حملات، اکنون چگونه است.

این وضعیت نیازمند یک «بیلان» (به تعبیر فرانسوی‌ها) است؛ یعنی ترازنامه‌ای که نشان دهد چه چیزی به دست آمده، چه چیزی از دست رفته و چه مسائلی همچنان نامشخص باقی مانده‌اند. این ارزیابی نباید به معنای تمجید از دولت ترامپ باشد، و نه به معنای هو کردن و تحقیر آن. در عصر آشوب، رویکرد سنجیده آن است که نتایج را در برابر هزینه‌ها بسنجیم و در برابر این وسوسه مقاومت کنیم که یک موفقیت تاکتیکی را به مثابه یک پیروزی راهبردی (استراتژیک) تلقی کنیم.

اگر به طور کلی به این فهرست نگاه کنیم، قدرتی را نشان می‌دهد که تقریباً در هر زمینه‌ای ضعیف‌تر است و هنوز در زمینه‌هایی که برای همسایگانش بیشترین اهمیت را دارند، شکست نخورده است: تنگه، اورانیوم و نیروهای نیابتی. بخش‌های زیر به ترتیب به این حساب‌ها می‌پردازند.

خسارات ایران پیش‌بینی قدرت متعارف

قضاوت اولیه من مبنی بر اینکه قدرت‌نمایی ایران "به طور چشمگیری کاهش یافته" در مورد ابزارهای متعارف نیز صادق است. CRS گزارش می‌دهد که ایالات متحده ظاهراً بیشتر نیروی دریایی متعارف ایران را نابود کرده و شناورهای کوچک و مین‌افکن‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران را به حال خود رها کرده است. به گزارش CBS News، گروه ضربت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به تنهایی گزارش داده که ۶۴ کشتی جنگی ایران غرق شده و ۴۵۰ موشک تاماهاوک بر فراز محل استقرار آن شلیک شده است. در ماه مه، دریاسالار برد کوپر، فرمانده سنتکام، گفت که قدرت‌نمایی ایران به "توانایی مزاحم" کاهش یافته است و شهادت داد که ۹۰ درصد از پایگاه صنعتی دفاعی ایران نابود شده و "سال‌ها" قابل بازسازی نیست.

این فهرست باید مخالفت‌ها را نیز نشان دهد. ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده که در ماه مه گزارش شد، نشان داد که حدود دو سوم از موشک‌اندازهای ایران سالم مانده‌اند و ایران تقریباً نیمی از توانایی پهن‌پای خود را حفظ کرده است. یکی از مقامات به سی‌ان‌ان گفت که ایران «از تمام جدول‌های زمانی که جامعه اطلاعاتی برای بازسازی داشت، فراتر رفته است.» سی‌آراس به گزارش‌هایی استناد می‌کند که ایران تا ۷۵٪ از موشک‌اندازهای متحرک و ۷۰٪ از ذخایر موشکی پیش از جنگ

خود را حفظ کرده و تولید موشک را در ماه سپتامبر به صورت زیرزمینی از سر گرفته است. برداشت منصفانه این است که برد متعارف ایران به شدت کاهش یافته، در حالی که توانایی آن برای بازسازی واقعی و مورد مناقشه است.

برنامه هسته‌ای

غنی‌سازی از نظر فیزیکی از کار افتاده است. نیروگاه‌های شناخته شده در نطنز و فردو نابود یا به شدت آسیب دیده‌اند و حتی اسرائیل اکنون ادعا نمی‌کند که ایران در حال غنی‌سازی است. مشکل، حسابداری است. ایران قبل از حملات ژوئن ۲۰۲۵، ۴۴۰.۹ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با ۶۰٪ در اختیار داشت. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در ماه مارس گفت که گمان می‌رود «کمی بیش از ۲۰۰ کیلوگرم» در مجتمع تونل اصفهان وجود داشته باشد، جایی که یک کارخانه غنی‌سازی جدید با وضعیت نامشخص تا حد زیادی بدون آسیب باقی مانده است. او این قضاوت را در اواخر آوریل به خبرگزاری آسوشیتدپرس تکرار کرد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ۲۸ فوریه تقریباً هیچ فعالیت پادمانی انجام نداده است.

این برنامه به عقب رانده شده، اما همچنین مبهم است. یک برنامه کوچک‌تر که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ببیند، به وضوح نتیجه بهتری نسبت به یک برنامه بزرگ‌تر تحت بازرسی نیست. هر کسی که سال‌ها در کنترل تسلیحات گذرانده باشد، می‌داند که راستی آزمایی اصل موضوع است و ذخایر راستی آزمایی نشده، دعوتی دائمی به برنامه‌ریزی بدترین حالت توسط هر پایتختی در منطقه است.

اقتصاد

اینجا جایی است که ضررها واضح‌تر هستند. ایران در ماه سپتامبر، اولین ماهی از زمان شروع ردیابی کپلر در سال ۲۰۱۳، هیچ نفت خامی را به نفتکش‌ها بارگیری نکرد. تولید به حدود ۲ میلیون بشکه در روز، یعنی نصف سطح قبل از جنگ، کاهش یافته است. به گزارش سی‌ان‌ان، تورم سالانه به ۹۰ درصد رسیده و اقتصاد با نرخ سالانه ۱۰ درصد بین مارس و ژوئن کاهش یافته است. بنا به گزارش‌ها، ارزش ریال به کمتر از ۲.۵ میلیون در برابر یک دلار رسیده است که حداقل دستمزد ماهانه را حدود ۶۶ دلار قرار می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که اقتصاد ایران برای سال ۲۰۲۶، ۵.۴ درصد کوچک شود.

کارزار فشار وزارت خزانه‌داری، «عملیات طرد اقتصادی»، که در اواخر ماه اوت آغاز شد، همچنان ادامه دارد. در ۸ اکتبر، وزارت خزانه‌داری ۱۷ نفتکش دیگر را تحریم کرد که به گفته این وزارتخانه، بیشتر آنچه از ناوگان سایه ایران باقی مانده است را خنثی می‌کند. محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس، اذعان کرده است که ایران هر چقدر هم که قدرت نظامی داشته باشد، «اگر مردم گرسنه باشند» تحمل نخواهد کرد. یک نظام می‌تواند برای مدت طولانی از گرسنگی جان سالم به در ببرد. به راحتی نمی‌تواند از آن برای بازسازی نظامی خود بودجه بگیرد.

خط نجات مالی خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس متوجه شده است که نمی‌تواند جمهوری اسلامی را نوازش کند یا پول آن را پولشویی کند. برای امارات متحده عربی، این درست و مستند است. طبق گزارش بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، پس از شلیک بیش از ۳۰۰۰ موشک و پهپاد ایرانی در پنج هفته اول، مقامات اماراتی ده‌ها فعال در صرافی‌های مرتبط با تهران را بازداشت و صرافی‌هایی را که میلیاردی دلار به سپاه پاسداران منتقل کرده بودند، تعطیل کردند. به گزارش آسوشیتدپرس، در ۱۹ اوت، امارات متحده عربی تمام معاملات تجاری و مالی با ایران را به حالت تعلیق درآورد. این یک زیان ساختاری است. ایران ۳۰ درصد از واردات امارات متحده عربی را تأمین می‌کرد و امارات سومین بازار بزرگ صادراتی ایران بود.

شبکه نیروهای نیابتی

«محور مقاومت» پیش از ماه فوریه نیز به شدت آسیب دیده بود: حزب الله و حماس تضعیف شده بودند، اسد از صحنه کنار رفته بود و پل زمینی به سمت لبنان قطع شده بود. به ارزیابی نشریه «اکنونومیست»، احتمال اینکه این شبکه «دچار اضمحلال گسیختگی شود تا فروپاشی کامل»، بیشتر است. آن طور که اکنونومیست آورده، حوثی ها روزبه روز خودمختارتر می شوند و اکنون دولت عراق — نه تهران — تأمین کننده اصلی بودجه بیش از ۲۰۰ هزار نیروی شبه نظامی است.

جایی که ایران هنوز کارت هایی در دست دارد هرمز به عنوان اهرم

جنگ، تهدید هرمز را از یک تئوری به عمل تبدیل کرد. طبق گزارش موسسه مطالعات امنیت ملی، ترافیک در سه ماهه دوم بیش از ۷۵ درصد کاهش یافت و به حدود ۴.۹ میلیون بشکه در روز رسید و تا اواخر ماه اوت، به طور متوسط ۱۷ کشتی در روز در مقایسه با ۱۳۵ کشتی قبل از جنگ، رسید. به گزارش Kurdistan24، ایران یک رژیم عوارض ایجاد کرد و هزینه ۱.۵ تا ۲ میلیون دلار برای هر عبور را تأیید کرد. تحلیلگران گمان می کنند که برخی از صادرکنندگان خلیج فارس حتی تحت اسکورت ایالات متحده، بی سروصدا برای عبور ایمن هزینه پرداخت می کنند، اگرچه الجزیره خاطرنشان می کند که این موضوع تأیید نشده است. ارزیابی برت مک گورک این است که در کوتاه مدت، ایران در این رقابت برتری دارد، زیرا شکست دادن پهپادها و موشک های کروز که از فاصله بیش از ۱۰۰۰ کیلومتری پرتاب می شوند، دشوار است.

با این حال، این کارت در حال از دست دادن ارزش خود است. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه امریکا، می گوید ایران "کنترل کامل" تنگه را از دست داده است. کپلر گزارش می دهد که صادرات نفت منطقه ای هفته گذشته از سطح قبل از جنگ عبور کرده است، در حالی که مدیرعامل شل، جریان نفت خاورمیانه را حدود ۸۰ درصد قبل از جنگ می داند. ایران هنوز می تواند هزینه عبور نفت را افزایش دهد. نمی تواند شرایط را تعیین کند.

CRS هیچ اپوزیسیون سازمان یافته ای را که قادر به تهدید رژیم باشد، نمی بیند و قضاوت می کند که فروپاشی قریب الوقوع نیست.

نیروهای نیابتی هنوز می جنگند

نیروهای نیابتی مقاوم تر از حد انتظار بوده اند. به گزارش لس آنجلس تایمز، حوثی ها در ماه ژوئیه شروع به مسدود کردن کشتی های سعودی کردند و باب المندب را تهدید می کنند. این هفته حملات حوثی ها به فرودگاه های عربستان در ابها و ریاض سه نفر را کشت. حملات منتسب به گروه های تحت حمایت ایران در عراق، خط لوله شرق به غرب عربستان سعودی را در ماه سپتامبر تعطیل کرد. این شبکه کمتر یک زنجیره فرماندهی و بیشتر یک فرانشیز است، اما فرانشیز همچنان آسیب می رساند.

حمایت قدرت های بزرگ

ایران توسط شرکایش رها نشده است. طبق گزارش ها، روسیه مواد منفجره، قطعات پهپاد و مهمات را از طریق دریای خزر ارسال کرده و اطلاعات هدف را ارائه داده است. طبق گزارش ها، شرکت های چینی تصاویر ماهواره ای مورد استفاده در حملات به نیروهای آمریکایی را ارائه داده اند. با این حال، ارزش استراتژیک این مشارکت در حال کاهش است. پلایشگاه های مستقل چین برای جایگزینی شبکه های نفت ایران به نفت خام عراق رو می آورند. برای پکن، ایرانی که نمی تواند نفت بفروشد اهمیت کمتری دارد. مسکو و پکن از یک مشتری حمایت می کنند و یک متحد را تضمین نمی کنند.

برخی از عناصر کلیدی شورای همکاری خلیج فارس تغییر رویه داده است

این موضوع در مورد امارات متحده عربی صادق است و برای کل شورای همکاری خلیج فارس اغراق آمیز است. ایران به هر شش کشور شورای همکاری خلیج فارس حمله کرد و تا اواسط ماه مه بیش از ۶۷۰۰ پهپاد و موشک به سمت آنها شلیک

کرد که تقریباً نیمی از آنها به سمت امارات متحده عربی بود. واکنش‌ها به شدت متفاوت بود. امارات متحده عربی از رویکرد آشتی‌جویانه به سمت خصومت آشکار حرکت کرد و به سربازان اسرائیلی اجازه داد تا یک باتری گنبد آهنین را در خاک خود اداره کنند. عمان هنوز استدلال می‌کند که تعامل، ایران را بهتر از رویارویی مدیریت می‌کند. قطر همچنان میانجیگری می‌کند. عربستان سعودی خواستار کاهش تنش شد و استفاده ایالات متحده از خاک و حریم هوایی خود را برای پروژه حمله امریکا به ایران رد کرد.

تحلیلگران اکنون دو اردوگاه را می‌بینند: یک خط اسرائیل – امارات متحده عربی که متعهد به رویارویی است و یک گروه سعودی – پاکستان – ترکیه – مصر که به پذیرش و ایجاد تعادل با ایران مایل است. درسی که کشورهای خلیج فارس گرفته‌اند این است که ایران خطرناک است. به این نتیجه نرسیده‌اند که باید پشت سر واشینگتن صف بکشند.

مساله انرژی

انتقال انرژی در حال تغییر است و در یک بازه زمانی ۲۰۲۷ – ۲۰۳۰، این تغییر، ریسک را بیش از آنکه حذف کند، جابه‌جا می‌کند. گلدمن ساکس تخمین می‌زند که مسیرهای فرعی می‌توانند تا پایان سال ۲۰۲۸ حدود ۶۰٪ از نفت معمولی هرمز را حمل کنند. عربستان سعودی قصد دارد تا سال ۲۰۲۹، ۹ میلیون بشکه در روز ظرفیت فرعی داشته باشد و امارات متحده عربی قصد دارد ظرفیت فجیره را تا سال ۲۰۲۷ دو برابر کرده و به ۳/۶ میلیون بشکه در روز برساند. اما انتقال نفت عربستان به نیج، آن را در معرض حوثی‌ها در باب المندب قرار داده و صادرات عربستان در ماه اوت به ۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت که پایین‌ترین سطح ده سال اخیر است LNG. قطر هیچ مسیر جایگزینی ندارد. راس لفان حدود ۱۷٪ از ظرفیت خود را از دست داده و طبق گزارش INSS، تعمیرات ممکن است سه تا پنج سال طول بکشد. در درازمدت، این امر اهرم ایران را تضعیف می‌کند. در حال حاضر، ابزار اصلی اسکورت دریایی ایالات متحده است که هزینه و اجاره کشتی دارد.

منطق امنیتی زیربنای توافق‌نامه‌های ابراهیم تقویت شده است

این موضوع نیاز به بیشترین توضیح دارد. آنچه سرعت گرفته، منطق امنیتی پشت توافق‌نامه‌هاست، نه خود توافق‌نامه‌ها. سامانه پدافند هوایی یکپارچه، بیش از ۶۰۰۰ پهپاد و ۱۵۰۰ موشک بالستیک را رهگیری کرد؛ همچنین استقرار سامانه «گنبد آهنین» اسرائیل در امارات متحده عربی، اقدامی بی‌سابقه بود. با این حال، گسترش رسمی این همکاری‌ها انجام نشده است. به گزارش شبکه خبری «سی‌بی‌اس (CBS News)»، کشورهای عضو تنها در تاریخ ۲۴ سپتامبر نخستین نشست رسمی خود را پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برگزار کردند. قزاقستان، به عنوان جدیدترین عضو، در نوامبر ۲۰۲۵ — پیش از آغاز جنگ — به این مجموعه پیوست. شروط عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط همچنان محقق نشده است.

درخواست ماه مه رئیس‌جمهور ترامپ از عربستان سعودی، قطر، پاکستان، ترکیه، مصر و اردن مبنی بر پیوستن به این ترتیبات (حداقل در سطحی حداقلی)، تا حدی با «توافق‌نامه دفاعی مشترک مکه» میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان که در ماه اوت امضا شد، پاسخ داده شد. این اقدام نوعی تدبیر احتیاطی (هجینگ) محسوب می‌شود و در چارچوب «پیمان‌های ابراهیم (Accords)» نمی‌گنجد.

خروج از عراق می‌تواند معادلات را تغییر دهد

در کوتاه‌مدت، این تغییر احتمالاً بیش از آنکه به ضرر تهران باشد، به نفع آن خواهد بود. آخرین نیروهای ایالات متحده در ۳۰ سپتامبر خاک عراق را ترک کردند. ایران و متحدانش این رویداد را یک پیروزی می‌دانند؛ در حالی که به گزارش رویترز، تحلیلگران عراقی نسبت به از دست رفتن «حضور نظامی‌ای که سال‌ها به عنوان وزنه‌ای در برابر نفوذ تهران عمل می‌کرد» هشدار می‌دهند. بغداد مهلت خلع سلاح گروه‌های شبه‌نظامی را تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۷ تمدید کرده است. به گزارش دویچه‌وله، گروه‌هایی همچون «کتابت حزب‌الله»، «نجبا» و «کتابت سیدالشهدا» هیچ نشانه‌ای از کنار گذاشتن سلاح‌های خود بروز نداده‌اند. همچنین، بر اساس گزارش «مؤسسه مطالعات جنگ»، برخی از اعضای جدا شده از گروه «عصائب اهل حق»،

گروه شبه‌نظامی جدیدی را با حمایت «قابل توجه» ایران تشکیل داده‌اند که گفته می‌شود در حملات به زیرساخت‌های انرژی عربستان سعودی نیز مشارکت داشته‌اند.

منبع: **دیفنس اینفو** / تحریریه دیپلماسی ایرانی/ ۱۱

البته جریان‌های متقابلی نیز وجود دارد. بغداد برخی گذرگاه‌های مرزی را بسته و رئیس بانک مرکزی خود را تغییر داده است تا کنترل‌های ضد پولشویی را تشدید کند؛ علاوه بر این، نفت خام عراق در حال جایگزینی نفت خام ایران در بازار چین است. عراق عرصه‌ای مورد مناقشه است و خروج ایالات متحده، موقعیت واشینگتن را در این رقابت تضعیف کرده است.

بخش آمریکایی دفتر کل

بیلابی که هزینه‌های آمریکا را در نظر نگیرد، بیان نیست. تا اواسط سپتامبر، ۱۸ نفر از نیروهای نظامی آمریکا کشته و ۸۲۴ نفر زخمی شده‌اند. دفتر بودجه کنگره هزینه‌های عملیاتی را تا اول اوت ۳۸ میلیارد دلار تخمین زده است. طبق گزارش‌ها، حدود یک چهارم ناوگان MQ-9 Reaper از بین رفته است و طبق گزارش‌ها، ایران بخش زیادی از فعالیت‌های پشتیبانی دریایی بحرین را نابود کرده و مسیرهای تدارکاتی را به دیگو گارسیا منتقل کرده است. یک تحلیل در ماه آوریل تخمین زد که ایالات متحده حدود یک سوم از موشک‌های تاماهاوک قبل از جنگ و بیش از نیمی از رهگیرهای پاتریوت و تاد خود را شلیک کرده است. همانطور که CRS اشاره می‌کند، یک گزارش بازرس کل ارشد، یافته وزارت دفاع در مورد «کمبود موجودی استراتژیک» را بازگو می‌کند.

برای هر کسی که پایگاه صنعتی را زیر نظر دارد، این نکته آخر ممکن است مهمترین نکته در ستون آمریکا باشد. این نکته، آمادگی برای سایر صحنه‌های نبرد را تضمین می‌کند و زمانی فرا می‌رسد که متحدان هند و اقیانوس آرام از خود می‌پرسند که آیا واشینگتن می‌تواند مهمات مورد نیاز بازدارندگی در منطقه خود را تأمین کند یا خیر.

هزینه‌های اقتصادی هنوز گسترده‌تر است. قیمت نفت برنت از ۷۲ دلار قبل از حملات به ۱۱۸ دلار در اوج خود رسید و این هفته به ۱۰۳ تا ۱۰۵ دلار رسید. زیرساخت‌های نفت و گاز خلیج فارس به ارزش بیش از ۲۵ میلیارد دلار تا اوایل آوریل نابود شد.

سابقه دیپلماتیک ضعیف است. تفاهم‌نامه ژوئن ظرف چند هفته از هم پاشید، مهلت ۶۰ روزه آن برای توافق نهایی در ۱۷ اوت به پایان رسید و محاصره برداشته و سپس دوباره اعمال شد. موضع واشینگتن در مورد غنی‌سازی از «عدم غنی‌سازی» ترامپ به «کاهش معنادار» معاون رئیس جمهور و نس تغییر کرده است. اختلاف اصلی هنوز در حال بررسی است: به گفته ISW، ایران قبل از بازگشایی تنگه هرمز یا دادن امتیازات هسته‌ای، خواهان تسکین اقتصادی است.

ارزیابی خالص

با توجه به محاسبات، دفتر کل از سه قضاوت پشتیبانی می‌کند.

اول، ایران از نظر مادی قدرت ضعیف‌تری نسبت به ۲۷ فوریه دارد. این کشور رهبر معظم دوران بنیانگذاری خود، بخش عمده‌ای از نیروی دریایی متعارف خود، ظرفیت غنی‌سازی فعال خود، شاه‌رگ مالی امارات و فعلاً درآمد صادرات نفت خود را از دست داده است. نیروهای نیابتی آن بیشتر به عنوان گروه‌های مستقل عمل می‌کنند تا یک محور هماهنگ. شرکای قدرتمند آن هنوز کمک می‌کنند، اما ارزش کمتری برای آن قائل هستند. همانطور که در یادداشت اولیه‌ام استدلال کردم، مطلقاً نه، اما موقعیت قدرت ایران به وضوح کاهش یافته است.

دوم، جنگ هنوز نتیجه استراتژیکی که با نتیجه نظامی مطابقت داشته باشد، به همراه نداشته است. جمهوری اسلامی از سرنگونی جان سالم به در برد و نشان داده است که می‌تواند هزینه‌هایی را بر بازارهای جهانی انرژی، کشورهای خلیج فارس و نیروهای آمریکایی تحمیل کند. این نظام ذخایر نامشخصی از اورانیوم با درجه نزدیک به سلاح را در اختیار دارد که فراتر از

دسترس بازرسان است و سریع‌تر از آنچه برنامه‌ریزان آمریکایی انتظار داشتند، در حال بازسازی است. همچنین از خروج ایالات متحده از عراق سود می‌برد که می‌تواند آن را به عنوان یک پیروزی ارائه دهد. ایران ضعیف‌تر شده، اما هنوز مهار نشده و به توافق نرسیده است.

سوم، دستاوردهای ایالات متحده و شرکایش واقعی هستند اما هنوز تضمین نشده‌اند و با هزینه‌ای خریداری شده‌اند که به طور کامل محاسبه نشده است. کمبود مهمات و هواپیماهای رهگیر، پایگاه‌های آسیب‌دیده در خلیج فارس، شورای همکاری خلیج فارس دچار اختلاف، حصار عربستان - ترکیه - پاکستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که اکنون به نظم امنیتی تحت رهبری ایالات متحده شک دارد، حاشیه‌ای بیش نیستند. اینکه این هزینه‌ها سرمایه‌گذاری باشند یا از قلم افتاده، به اتفاقات بعدی بستگی دارد.

به طور خلاصه: ایران تاکنون جنگ فرسایشی را باخته و ایالات متحده هنوز صلح را به دست نیاورده است. هم تشویق و هم هورا کشیدن برانکس زود هنگام است. قضاوت صادقانه این است که ایران متحمل ضرر بزرگی شده و آمریکا به سودی دست نیافته است.

چه چیزی بازی را تغییر می‌دهد

بازگشایی هرمز؛ مراقب باشید که آیا هر معامله‌ای عبور رایگان بدون حقوق اداری ایران را بازیابی می‌کند یا خیر. خواندن ماده ۵ تفاهم نامه ژوئن توسط ایران نشان داد که چه می‌خواهد.

محاسبه اورانیوم؛ قرارگیری تأیید شده مواد تقریباً ۲۰۰ کیلوگرمی یا بیشتر از ۶۰ درصد اورانیوم یک شکست را به وضوح به پیروزی تبدیل کرده است در حالی که هیچ معادله‌ای را برای محاسبه حساب هسته‌ای باز نمی‌گذارد.

نرخ بازسازی؛ اگر ایران در عرض چند ماه دوباره حجم پهپادها را به دست آورد، همان‌طور که اطلاعات آمریکا نشان می‌دهد ممکن است «قابلیت مزاحم» خود را بازیابد.

شبه نظامیان عراق؛ مراقب باشید که آیا بغداد قبل از ضرب‌الاجل ژوئن ۲۰۲۷ پیشرفت واقعی می‌کند یا اینکه گروه‌های انشعابی تحت حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فضایی را که نیروهای ایالات متحده باقی مانده‌اند را تصرف می‌کنند.

انتخاب عربستان سعودی؛ جهت‌گیری ریاض برای نظم منطقه بیشترین اهمیت را دارد: روابط امنیتی عمیق‌تر با ایالات متحده و اسرائیل تحت فشار حوثی‌ها یا محافظت بیشتر از طریق پیمان مکه.

تشدید تنش آمریکا پس از انتخابات میان دوره‌ای؛ به گزارش سی‌بی‌اس‌ان نیوز، رئیس‌جمهور گفته که هیچ حمله‌ای قبل از ۳ نوامبر انجام نخواهد شد، در حالی که به پنتاگون گفته شده است که گزینه‌ها را آماده کند. یک کمپین تازه بدون یک برآورد نهایی سیاسی، هزینه‌هایی را به ستون آمریکایی‌ها اضافه می‌کند، بدون اینکه موضوع ایران را حل کرده باشد.

بنابراین، بیلان حکمی در مورد نیات دولت ترامپ نیست. نتایج را در مقابل هزینه‌ها اندازه‌گیری می‌کند. بر این اساس، جنگ موازنه منطقه‌ای علیه ایران را تغییر داده است. اینکه آیا آن را برای همیشه تغییر داده است یا خیر، هنوز مشخص نیست.

منبع: دیفنس اینفو/تحریریه دیپلماسی ایرانی/۱۱